

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار

(ص ۸۱-۹۸)

زهرای نظری^۲، عبدالرضا سیف^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۹۷

چکیده

در عهد قاجار بنا به دلایل اجتماعی و سیاسی سرودن اشعار مذهبی رونق گرفت. یکی از گونه‌های شعر مذهبی در این عصر مثنویهایی روایی بود که در آنها داستان زندگی پیامبر و امامان شیعه منظوم شده بود. منظور از روایی در اینجا آن است که مثنوی داستانی را روایت میکند. این مثنویها را از جهت محتوا میتوان در شش دسته کلی جای داد، اگرچه گاهی این تقسیم بندی به خاطر ماهیت مثنویها نمیتواند کاملاً دقیق باشد و همپوشانیهایی دارد و برخی آثار به گونه‌ای هستند که میتوان آنها را در بیش از یک دسته قرار داد. این شش دسته عبارتند از پیمبرنامه‌ها، حیدری نامه‌ها، حسینی نامه‌ها، مختارنامه‌ها، امام نامه‌ها و مولودنامه‌ها. بیشترین محتوا به نقل داستان کربلا یعنی حسینی نامه‌ها اختصاص دارد و پس از آن غلبه با حیدری نامه‌هاست. هدف از نگارش این مقاله معرفی سطح فکری و ساختار و محتوای این مثنویهاست.

کلمات کلیدی: شعر شیعی، مثنویهای روایی شیعی، عهد قاجار، ساختار و محتوای

مثنویها.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران (zahrnazari@ut.ac.ir)

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران (seif@ut.ac.ir)

Structural and Content Analysis of Shiite narrative Mathnavis of Qajar era

Abdorrezza Seif^۱, Zahra Nazari^۲

Abstract

During the Qajar era, religious poetry began to boom for social and political reasons. One of the religious poetry types in this era was in which the story of Prophet's life and the Shiite Imams were versified.

The meaning of narrative here is that Mathnavi narrate a story. These Mathnavis are divided into six categories in terms of their content, although sometimes the division can't be completely accurate due to the nature of the mathnavi, and there are overlaps, and some works are in such a way that they can be classified in more than one category. These six categories include Payambarnames, Heydarinames, Husseininames, Mokhtarnames, Imamnames and Moludnames. Most of the content is dedicated to the story of Karbala, and then it is overcome with the Heydarinames.

The purpose of this article is to introduce the level of thought and the structure and content of these mathnavis.

Keywords: Shiite poetry, Shiite narrative Mathnavis, Qajar era, structure and content of the Mathnavis.

^۱. Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (seif@ut.ac.ir)

^۲. Ph.D student of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (zahranazari@ut.ac.ir)

۱- مقدمه

دلایل سیاسی از جمله نیاز شاهان قاجار برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود سبب شد که در دوران این حکومت خصوصاً تا پیش از مشروطه مظاهری که گفتمان غالب عصر یعنی تشیع را تقویت میکردند، گسترش یابد. تقویت روابط با علمای دینی، مرمت و ساخت مساجد و مشاهد امامان شیعه، تلاش در برگزاری باشکوه مراسم مذهبی چون عزاداریهای محرم، تعزیه و اعیاد مذهبی از جمله این تلاشها بود. از آنجاکه در دوره‌های پیشین، ادبیات همچون رسانه‌ای تبلیغاتی عمل میکرد، یکی دیگر از این نمونها گسترش ادبیات مذهبی بود. پادشاهان قاجار انگیزه و نیت مذهبی شاعران را در بزرگداشت بزرگان دینی با هدف خود همسو و هماهنگ کردند تا از ابزار قدرتمند شعر و ادبیات نیز برای گسترش مظاهر مذهبی کمک بگیرند و با این روش در واقع خود را حامی ادبیات تشیع و شاعران مذهبی سرا معرفی کنند؛ از آن طرف نیز شاعران در ازای این حمایتها، پادشاهان سلسله قاجار را مروج دین محمدی و تشیع و جانشینان برحق معصومان معرفی مینمودند. یکی از علل رونق و فراوانی شعر مذهبی از جمله مثنویهای روایی شیعی در روزگار قاجار این تعامل دوسویه بین حکومت و سرایندگان شعر مذهبی بود.

شعر مذهبی عصر قاجار از جمله مثنویهای مذهبی این دوره به دلیل نادیده انگاشتن هرآنچه با سلیقه‌ای خاص مطابقت نداشته، مهجور مانده است؛ ضمناً کثرت این اشعار و نازل بودن سطح ادبی قسمتی از این انبوه باعث شده تا تمامی اشعار مذهبی این عهد مورد بیمهری واقع و با چوب تقلیدی بودن رانده شوند؛ درحالیکه در میان این اشعار و در بین مثنویهایی روایی شیعی آثار ارزشمندی هم از منظر محتوا و هم از دید ادبی وجود دارد که قابل شناساندن و معرفی به علاقه‌مندان به ادبیات به‌ویژه خواستاران ادبیات مذهبی است.

۲- پیشینه، ضرورت و روش تحقیق

درباره منظومه‌های شیعی عصر قاجار مطالبی به شکل پراکنده و مختصر در کتابهایی که به منظومه‌ها یا حماسه‌های دینی پرداخته‌اند مانند «نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی» از محمدرضا راشد محصل یا «کاروان شعر عاشورا» از محمدعلی مجاهدی آمده است؛ اما پژوهشی مستقل که تمامی مثنویهای روایی شیعی در این عصر را یکجا معرفی و بررسی کند، صورت نگرفته است؛ بنابراین در این مقاله ابتدا این آثار را به شکل مختصر معرفی و سپس ویژگیهای ساختاری و محتوایی آنها را بررسی خواهیم کرد. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقد و تحلیل مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار تا آغاز مشروطیت» است که در آن ۴۵ مثنوی را مطالعه کرده‌ایم. از میان این آثار حدود سی اثر هنوز به صورت نسخه خطی هستند که تعدادی از آنها ارزش تصحیح و چاپ دارند. روش کار در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و با استناد به مثنویهای مذهبی شاعران عهد

قاجار است. در بررسی منظومه‌ها از شیوه توصیفی و تحلیلی بهره برده‌ایم.

۳- مثنویهای روایی شیعی دوره قاجار

چنانکه در چکیده گفتیم مثنویها به شش دسته قابل تقسیمند:

(۱) پیامبرنامه‌ها با موضوع داستان زندگی پیامبر اکرم؛ شامل اردیبهشت از سروش اصفهانی و مجلس‌افروز از ملافضلعلی نصرآبادی کاشانی. رویکرد غالب دو شاعر در آنها تاریخی و سپس حماسی است.

(۲) حیدری‌نامه‌ها با موضوع رشادتها و نبردهای حضرت علی؛ شامل افتخارنامه حیدری از میرزا مصطفی صهبای آشتیانی، حقایق‌النبویه و العلویه از راجی بیدآبادی، حمله حیدری از ملا بمانعلی راجی کرمانی، حمله حیدری از مجنون قاجار، خداوندنامه فتحعلی‌خان صبای کاشانی، خرم‌بهشت رضاقلی‌خان هدایت طبرستانی، دلگشا از شاعری ناشناس، شهن‌شاهنامه صافی اصفهانی، صولة‌الحیدریه از محمدحسن سبزواری، مثنوی مجمع مشهور به مثنوی ممتاز از ممتاز حسینی، نظم‌المجالس از عاصی رشتی اصفهانی و مغازی خیبر، جمل و صفین از خیالی اصفهانی. رویکرد شاعران در تمامی آنها حماسی است.

(۳) حسینی‌نامه‌ها که واقعه کربلا را روایت میکنند شامل آتشکده نیر تبریزی، اشارات الحسینیه از عنقا طالقانی، چهارخیابان باغ فردوس از الهامی کرمانشاهی، حروب الحسینیه از محمدرضا پروین نوری، حمله حسینیه از محمد تنکابنی، روضة‌الاسرار سروش اصفهانی، زبده‌الاسرار میرزا حسن صفی‌علیشاه اصفهانی، شجاعت الحسینی از ابوالحسن خرم شیرازی، شهادت‌نامه از مصطفی‌خان سینای کرون اصفهانی، صحیفه قاصریه از قاصر کرمانی، ضیاء العین فی مرآة الحسین از محمدرحیم میرزا قاجار، فیض السعادة از محمدطاهر فیاض عراقی، گنجینه‌الاسرار عمان سامانی، مختصرالشجاعة از شاهد شیرازی، مختصرالمراثی از پرویزخان سلماسی، مصیبت‌نامه بهجت قاجار، مصیبت‌نامه یا واقعه کربلا از شعاعی قاجار، معراج محبت ابوالحسن مجتهد طهرانی و منهج الهدایه از رضاقلی‌خان هدایت طبرستانی می‌شود. در حسینی‌نامه‌ها سه رویکرد عاشقانه-عارفانه، حماسی و عاطفی و مصیبت‌گویانه را داریم؛ البته گاهی در یک اثر ممکن است نگاه شاعر ترکیبی از این رویکردها باشد اما یکی از آنها از بقیه پررنگتر است. (۴) مختارنامه‌ها که روایت‌کننده قیام مختار ثقفی علیه عاملان حادثه کربلاست و شامل بهجة‌المؤمنین میرزا عبدالرحیم نایینی، زینت المسلمین گل محمد بن‌آ دهکردی، مختارنامه خیالی اصفهانی، مختارنامه عبدالرزاق بیک مفتون دنبلی، مختارنامه شعاعی و مختارنامه از محمدحسین صبوری جرقویه اصفهانی می‌شود. رویکرد شاعران در درجه اول روایت تاریخ و پس از آن حماسی است.

۵) امام‌نامه‌ها که تمام یا بخشی از زندگی همه یا یکی از امامان معصوم را به تصویر کشیده است؛ بهجت‌نامه از میرزا طاهر شعرای اصفهانی، روضه‌المؤمنین یا چهارده گنج زین‌العابدین عابد اصفهانی، غمکده از وفا تفرشی، مجمع‌العشاق (منسوب به رونق سنندجی) و مقصود العارفین از عارفعلی تفرشی در این دسته جای میگیرند. رویکرد غالب شان روایت تاریخ است اما گاهی دیدگاه عاشقانه و مصیبت‌گویانه هم در آنها دیده میشود.

۶) مولودنامه که داستان ازدواج امام حسن عسکری با دختر پادشاه روم و تولد امام زمان از این ازدواج را روایت میکند. مولودنامه خرم شیرازی در ذیل آن قرار میگیرد. البته داستان تولد امام زمان در مقصود العارفین، بهجت‌نامه، غمکده و مجمع‌العشاق نیز ذیل داستان زندگی یازده امام معصوم آمده است. رویکرد شاعران روایت تاریخ و گاه عاشقانه و غنایی است؛ از آن رو که داستان عشق ملیکه به امام حسن را روایت میکنند. در این پژوهش برای ارجاع به نسخ خطی از این علائم اختصاری استفاده کرده‌ایم: ب= برگ، ر= رو، پ= پشت، س= سطر.

۴- ویژگیهای محتوایی و ساختاری منظومه‌های روایی شیعی

۴-۱- ساختار مثنویها در چگونگی شروع اثر

در مثنویهای روایی زبان فارسی معمولاً سنت بر آن است که منظومه با نام و حمد خدا، نعت پیامبر، معراج، مدح خلفا و مدح پادشاه زمان شروع میشود و اگر سراینده شیعه باشد پس از حمد خدا و نعت پیامبر، منقبت حضرت علی و غالباً مدح ائمه علیهم‌السلام را می‌آورد. کمتر پیش می‌آید که شاعری ساختار شکنی کند و مثلاً مانند مولوی در مثنوی معنوی اثر را با نی‌نامه آغاز کند. در مثنویهای شیعی عصر قاجار تقریباً شکلی که گفتیم رعایت شده و این ساختار با همین جزئیات یا حذف مواردی آمده است. برخی از شاعران در اثرشان شروع متفاوتی داشته‌اند:

الف) مثنوی مجمع‌العشاق با نی‌نامه و ستایش عشق شروع شده است؛ ب) مثنوی عمان سامانی با پرسش درباره اینکه گوینده شعرش کیست آغاز شده است (کیست این پنهان مرا در جان و تن / کز زبان من همیگوید سخن: دیوان، عمان سامانی: ص ۱۵)؛ ج) مثنویهای ممتاز از حسینی و مختصرالاشجاعه با ساقی‌نامه شروع می‌شوند؛ د) عاصی مثنوی نظم المجالس را با بیان خواب خویش و سپس ساقی‌نامه آغاز کرده است؛ ه) مدح امام زمان آغاز معراج محبت از مجتهد طهرانی است؛ و) نیر تبریزی آتشکده را با چگونگی خلقت نوری معصومان شروع میکند؛ ز) مثنوی روضه‌الاسرار سرور نیز با نام و حمد خدا آغاز نمیشود: دارم اندر دست خونین خامه‌ای / تا که بنویسم مصیبت‌نامه‌ای (دیوان، ج ۲، ص ۷۷۷)؛ ل) مقصود العارفین بدون مقدمه مستقیماً وارد داستان میشود: کنون دارم عجایب داستانی / ز

سلطان خراسان یک بیانی (مقصود العارفین، ص ۷۷۳)

در مثنویهایی که به پادشاه زمان تقدیم شده‌اند، مدح شاه پس از مدح نبی و ولی می‌آید. در اثری درباری چون خداوندنامه صبا در هر جای اثر که شاعر پیامبر و حضرت امیر را مدح کرده، حتماً از پادشاه نیز یاد کرده و او را ستوده است. در هیچ‌یک از آثار، مدح شاه زمان بر پیامبر و ائمه مقدم نشده است.

۴-۲- نحوه توصیف و منقبت شاعران از معصومان و امامزادگان

در توصیف پیامبر، امامان و امامزادگان شاعران از سه دسته کلی از تعبیرات بهره می‌برند: الف) تعبیر دینی که خود به دو شکل هستند: ۱. استفاده از تعبیر قرآنی؛ ۲. به‌کارگیری تعبیر روایی؛ ب) تعبیر غیردینی که خود قابل تقسیم به این دسته‌هاست: ۱. استفاده از کلمه شاه یا سلطان و مترادفات و متعلقات آنها؛ ۲. استفاده از اصطلاحات عرفانی؛ ۳. بهره‌گیری از ترکیبات ادبی در شکل تشبیه و استعاره که مشبّه‌به در آنها بسیار متنوع است؛ ج) ترکیبی از همه موارد.

در هر دو دسته مثالها بسیار زیادند و ما برای ملال‌آور نشدن تنها نمونه‌هایی از هر کدام را ذکر می‌کنیم.

الف) تعبیر دینی:

- تعبیر قرآنی؛ شاعر در مبارزه طلحۀ بن ابی طلحه با امیرمؤمنان گوید:

چه بالای سر برد شمشیر کین سپر پیش رو داشت حبل‌المتین
(صولۀ الحیدریه، ممتحن سبزواری: ص ۳۱۹، س ۳)

در روایات بارها آمده است که منظور از حبل‌الله‌المتین در آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱۰۳/۳)، حضرت امیر است؛ مثلاً در معانی‌الاخبار از زبان حضرت آمده است: «أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ» (معانی‌الاخبار، ص ۱۷؛ نیز مفید، الاختصاص، ص ۲۴۸)

- تعبیر روایی؛ عاصی گوید:

سرودم علی نقطه با بود بدان رو هم از قدر بالا بود
(نظم المجالس، عاصی، ب ۱۲۴، پ، س ۵)

برگرفته از حدیث «أنا نقطة باء بسم الله...» (منهاج البراعة، ج ۱۹، ص ۳۲۴)

ب) تعبیر غیردینی:

- اینکه از چه زمانی اصطلاح شاه برای بزرگان دینی به کار رفته است، بدرستی نمی‌دانیم. پس از اسلام مداحان وصف پیامبر، صحابه، اولیا و خلفا را درهم آمیختند تا جنبه‌های دینی مدح محفوظ بماند. از دوران عباسیان مداحی عموماً در خدمت خلفای این سلسله قرار گرفت و از جنبه‌های دینی آن کاسته شد؛ به همین دلیل گروهی از سراینندگان در تقابل با دستگاه خلافت اشعار نغزی صرفاً در مدح پیامبر، صحابه و امامان سرودند که بعدها

دستمایه آوازی مداحان شد. اطلاق واژه شاه به حضرت علی و حضرت حسین بیشتر در جریان چنین تقابلی برجستگی یافت و مداحان در گسترش و مبالغه چنین اوصافی اهتمام بیش از حد کردند؛ خصوصاً مداحان شیعه دوازده‌امامی راه افراط پیمودند و بر بستر عادات و خاطرات سلطنتی مردم ایران نام برخی امامان شیعه را با واژگانی چون شاه دین، شاه مردان، شاه شهیدان، شاه جهان، شاه مظلومان... همراه ساختند (نمایش و موسیقی در ایران، ج ۳: ص ۱۲۱-۱۲۳).

استفاده از عبارات عرفانی برای معصوم را قاعدتاً در منظومه‌هایی که رویکرد عارفانه دارند بیشتر می‌بینیم:

با همان حالت شده در دم روان	خدمت کهف‌الوری غوث‌الزمان
بعد تعظیم و تواضع با ادب	عرض کرد ای مظهر اوصاف رب
دارم استدعای اذن از بهر جنگ	تا نمایم جان فدایت بی‌درنگ
	(مختصرالمراثی، سلماسی: ص ۴۹)

ج) ترکیبی:

- ایجاد ترکیب ادبی از آمیختن اصطلاح شاه و تعابیر دینی:

در آن وقت سلطان محمود خوی	شه والضحی روی واللیل موی
نمودی عبور از یسار سپاه	سه پور گرانمایه نزدیک شاه
	(حملة حیدری، مجنون قاجار: ص ۱۸۲، س ۱۰)

- ترکیب تعبیر دینی و ادبی:

نبوده است آن ثانی اهرمن	به رزم سلیمان دشت محن
	(بهجة المؤمنین، نایینی، ب ۶۵، پ، س ۱۴)

سلیمان دشت محن استعاره از امام حسین است؛ سلیمان برگرفته از تعابیر دینی و دشت محن خود اضافه تشبیهی است و شاعر از ترکیبشان استعاره‌ای ایجاد کرده است.

۳-۴- نحوه توصیف شاعران از دشمنان و دوستان اهل بیت

تعبیری که شاعران این منظومه‌ها درباره دشمنان استفاده میکنند، غالباً منفی و گاهگاهی مثبت است.

الف) تعابیر مثبت عمدتاً در وصف شجاعت و جنگاوری دشمنان است: «به عبدالعزی شهرة روزگار / سرافراز و شیراوژن و پیلوار / جهانجوی و جنگی دلیر و سوار / کمندافکن و پهلوی تیزچنگ / چه پیلان جنگی به هنگام جنگ» (افتخارنامه حیدری، ج ۱، ص ۴۶)

ب) تعابیر منفی: ۱. با ذکر صفات مذموم؛ ۲. در قالب استعاره و تشبیه صورت می‌گیرد که البته آن اندازه تکرار شده‌اند که حالت موتیف به خود گرفته‌اند.

(۱) صفات مذموم بسیار زیادند؛ همچون لعین، پلید، روسیاه، بی‌حیا، دون، ظالم، شوم، بداختر، شقی، شقاوت‌پیشه، تاریک‌جان، بی‌دین، ناپاک‌دین، بی‌ایمان، مرتد، کافر، مشرک، گمراه، ابله، احمق، نادان، ناهوشمند، ابتر، کینه‌جو، شریر، خبیث، کج‌نهاد، بدنهاد، بدگهر، بد سرشت، بدنزاد، بدرگ، بد سگال، بد کیش، بد سیر، بد عمل، ناخوش‌نفس، نابه‌کار، دزد، دل‌سخت، پر خاشخار، خونخواره، حیل‌باز، دغل، دغا، ریمن، وارونه‌کار، ناپخته‌رای، ناپاک‌رای، زشت‌خو، ناکس، ناپاک؛ گاهی این تعبیرات تند و حتی رکیک می‌شوند: بی‌ناموس، تخم حرام، زنازاده، مخنث، تیزباد:

کنون صحبت ابن‌اشعث شنو از آن روسیاه مخنث شنو
(مختارنامه، خیالی اصفهانی، ب ۲۸، پ، س ۱۵)

(۲) تشبیهات و استعارات که خود چند دسته است:

- مشبه‌به آنها حیوانات است مثل دد، خرس، گرگ، گراز، خوک و خنزیر، بوزینه، سگ، خر، گورخر، روباه، شغال، گوساله، کژدم، افعی، خرگوش، بز لاغر، مگس، عنکبوت، کلاغ، بوم؛ شاعر درباره پهلوان یهود سروده است:

دگر عنکبوت سیه‌بخت شوم سپه چون مگس داشت گردش هجوم
(دلگشا، ناشناس: ص ۳۲، بیت ۳)

- مشبه‌به آن موجودات اهریمنی و خیالی‌اند چون اهریمن، دیو، پتیاره، غول...:

درافتاد بر فوج اعدا شکست کشیدند **غولان** ز پیکار دست
(شهنشاهنامه، صافی اصفهانی، ب ۱۴۲، پ، س ۵)

- استفاده از استعاره‌ها را در قالب ترکیب‌های تقابلی دوگانه در برابر سپاه اسلام و دوستان اهل بیت نیز میتوان دید؛ مثلاً تقابلهایی همچون شیر/ روباه، شیر/ شغال، گور/ شیر، سگ/ آهو، شیر/ گراز، فیل/ مور، شاهین/ غراب، طاووس/ زاغ، بلبل/ زاغ، باز/ زاغ، شاهباز/ جغد، شاهباز/ گنجشک و عنقا/ پشه:

در میان کودکان غارتگران همچو **زاغان** در میان **بلبلان**
(مجمع‌العشاق، ناشناس، ب ۲۲۸، ر، بیت ۲۲)

- شاعر در انتخاب مشبه‌به برای وصف دشمن از تاریخ و دین الهام گرفته است؛ مثلاً دشمنان را ساسانیان، گرگان یوسف آل‌عبا، ثانی بولهب، قابیل، فرعون و هامان خوانده است:

یوسف خونین دل **آل‌عبا** باشد اندر چنگ **گرگان** مبتلا
(مصیبت‌نامه، بهجت قاجار: ص ۷۸، بیت ۴)

- دشمنان به گیر و یهود و ترسا مانند شده و گاه بدتر از آنها خوانده شده‌اند:

که آن بدتر از قوم گبر و یهود یکی دشمن آل اطهار بود
(بهجة المؤمنین، نایینی، ب ۷۴، پ، س ۲۰)

- در منظومه‌هایی که رویکرد عاشقانه- عارفانه دارند، یا صریحا اسمی از دشمن نیست یا تعبیر به کاررفته درباره دشمنان ملایمتر است و غالبا سمت و سوی غنایی یا عرفانی دارد و بیشتر هم انتزاعی است مثل تقلیدیان، عالمان بی عمل، عالمان بی شریعت، خودپرستان دغل و زحقیگانگان خودپسند که از قضا شرع باز و قاری قرآن هم هستند، حسود عشق، اغیار (در برابر محرمان)...؛ شاعر در توصیف رزم حر با دشمن گوید:

خلوت از اغیار شد پرداخته وز رقیبان خانه خالی ساخته
محرمان راز خود را خواند پیش جمله را بنشانند پیرامون خویش
(دیوان، عمان سامانی: ص ۳۱-۳۲)

چون شنیدند این سخن تقلیدیان از زبان آن لعین تیره جان (= عمر سعد)
دل ز حق یکبارگی پراختند وجه حق را تیرباران ساختند
(صفی‌علیشاه، ۱۳۹۵: ۷۹)

۴-۴- غلو درباره معصومان

در پاره‌ای از منظومه‌ها گاهی شاعران درباره ائمه طریق غلو می‌پیمایند؛ شاهد شیرازی درباره حضرت علی سروده است:

تو گفستی بدیدند در رزمگاه خدا در لباس بشر کینه‌خواه
(مختصرالشجاعة، شاهد شیرازی: ص ۴۰۱، س ۹)

برخی شاعران نوعا تعبیری به کار می‌برند که براحتی می‌تواند ایشان را در مظان اتهام غالی بودن قرار دهد؛ مثلا این ابیات از عمان سامانی:

هست از هر مذهبی آگاهی‌یم الله من حسین اللهم
بنده کس نیستم تا زنده‌ام او خدای من من او را بنده‌ام
نی شناسای نبیم نی ولی من حسینی میشناسم بن علی
(دیوان، عمان سامانی: ص ۲۹)

سرخوش از صهبای آگاهی شدم دیگر اینجا زینب‌اللهی شدم
(همان: ص ۵۲)

۴-۵- خلقت نوری پیامبر و امامان

یکی از نکات محتوایی که در منظومه‌های تمامی دسته‌ها با رویکردهای مختلف مرتبا تکرار میشود، موضوع خلقت پیامبر و امامان از نور و پیش از همه موجودات عالم است؛ سپس تمامی انبیا، اولیا، عالم و موجودات از این نور خلق شدند. این باور از روایاتی

سرچشمه میگیرد که میگوید خدا پیامبر و معصومان را از نور آفریده است (نک: اسرار آل محمد، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ کافی، ج ۱، ص ۵۳۱).

(مجلس‌افروز، نصرآبادی کاشانی: ص ۳۱؛ نک: دیوان، سروش اصفهانی، ۲: ص ۷۷۸ و ص ۸۳۹-۸۴۱؛ دلگشا، ناشناس: ص ۷-۸؛ حمله‌حیدری، مجنون قاجار: ص ۳؛ شه‌شاهنامه، صافی اصفهانی، ب ۱۴، ر: خداوندنامه، صبای کاشانی، ب ۴، ر: خرم‌بهشت، هدایت طبرستانی: ص ۸؛ زینت‌المسلمین، بت‌دهکردی، ب ۱۰، ر: دیوان، نیر تبریزی: ص ۴۳؛ اشارات‌الحسینیه، عنقا طالقانی: ص ۲؛ ضیاء‌العین، محمدرحیم میرزا قاجار، ب ۴، پ؛ منهج‌الهدایه، هدایت طبرستانی، ب ۲؛ بهجت‌نامه، شعرا اصفهانی: ص ۲ و ص ۵-۶؛ غمکده، وفا تفرشی، ب ۱۶۳، ر).

۴-۶- گریز به واقعه کربلا

یکی از ویژگی‌هایی که در مثنویهای این دوره میبینیم، این است که در آثار متعلق به داستان زندگی پیامبر، حضرت علی، دیگر امامان جز امام حسین و داستان مختار، شاعران جابجا هرگاه موقعیت دست دهد و با استفاده از اسلوب تداعی معانی گریزی به داستان کربلا و شهادت امام حسین میزنند. این کار گویا نوعی ایجاد تنوع در روند داستان و برای جلوگیری از یکنواختی بوده است

۴-۷- فلسفه شهادت امام حسین و ثواب اشک ریختن بر ایشان

«طبق احادیثی رسول خدا پاداش شهادت حسین(ع) را بصورت حق شفاعت برای گنهکاران امت از خدا دریافت کرده است... همانگونه که مسیحیان معتقدند مسیح به دار آویخته شد تا موجب آمرزش مسیحیان شود، عده‌ای نیز از شیعیان فکر می‌کنند فلسفه شهادت سیدالشهدا آمرزش گناهان امت مصطفی است، ولی ارتکاب گناه و بی‌مبالاتی در امر دین، به امید شفاعت آن حضرت، انحراف است» (فرهنگ عا شورا، ص ۲۵۳، ۲۵۴). این اندیشه بارها در مثنویهای مذهبی این دوره تکرار شده و اصلاً شاعران فلسفه فدا شدن امام در کربلا را، از الست همین دانسته‌اند:

گر نبودى آن شهادت در جهان هیچ کس را جا نبودى در جنان
(غمکده، وفا تفرشی، ب ۱۱۲، پ، بیت ۱۰)

۴-۸- توجه و توسل به امام زمان و درخواست ظهور ایشان

امام زمان از چهره‌های شاخص مذهبی در ادبیات قاجار است و حجم زیادی از شعر مذهبی در قالب‌های غزل، قصیده، ترجیع و ترکیب‌بند... به ایشان اختصاص دارد (نک: بررسی نموده‌های مذهبی در شعر عهد قاجار، ص ۱۰۶-۱۰۷)، با این‌همه در مثنویهای مذهبی عصر قاجار بسامد چندانی از حضور ایشان نمی‌بینیم. در بعضی آثار مانند مختارنامه صبوری حسین‌آبادی پس از مدح همه ائمه، امام زمان جداگانه مورد ستایش قرار میگیرد؛

در برخی از منظومه‌ها نیز از میان امامان (به جز حضرت علی که همیشه پس از پیامبر ستوده میشوند) اختصاصاً فقط از مهدی موعود یاد میشود و شاعر ظهور ایشان را طلب یا از زمانه و حوادث شکایت میکند و از حضرت می‌خواهد با آمدنش او ضاع را سامان ببخشد؛ چنانکه در بهجة المؤمنین، ضیاء العین، حروب الحسینیه و بهجت‌نامه چنین است. در این میان یک استثنا وجود دارد، آن هم معراج محبت است که شاعر مثنوی را با مدح امام زمان آغاز کرده است:

الا ای پیک رفر سیر غایب که باشی شاه غایب را تو حاجب
گذر کن سوی آن قدس حظیره که باشد نام آن خضرا جزیره
بگو مشت گلی آلوده بر خون همی‌گوید که ای تمثال بی‌چون
روا نبود که با مثل تو حجت ز ابنای زمان جویم حاجت
(معراج محبت، مجتهد طهرانی، ب ۲، ر، بیت ۱-۴)

۹-۴- بیان نکات حکمت‌آمیز و تأکید بر ناپایداری دنیا

یکی از اهداف منظومه‌های دینی ترسیم کمال واقعی انسان، تعالی روح او و نوعی خودشناسی در لباس وصف و بزرگداشت اسوه‌های دینی است. شاعر در این جهت در اثنای بیان رخداد‌های تاریخی و توصیف صحنه‌های رزم هرگاه فرصتی دست دهد، توجه خواننده را به آموزه‌های حکمت‌آمیز، ناپایداری دنیا و لزوم بیتوجهی به جهان مادی معطوف می‌سازد و لب به پند و اندرز می‌گشاید. صافی در پایان جنگ بدر گوید:

الا تا نبندی به این دار دل که این دار خون کرد بسیار دل
جهان ای برادر نه جای خوشی است خوشی جهان جمله در ناخوشی است
چنین است کردار این چرخ پیر به بالا برد تا بیارد به زیر
بزرگان روشندل پاک‌زاد نکردند بر مهر چرخ اعتماد
خنک آن که از روی جهل و عناد چو بوجهل دون دین به دنیا نداد
(شهنشاهنامه، صافی اصفهانی، ب ۱۸، پ، س ۶-۸)

۱۰-۴- ساقی‌نامه‌ها و اصطلاحات میخانه‌ای

در منظومه‌های دینی معمولاً شاعران به تقلید از نظامی در اسکندرنامه ساقی‌نامه‌های متعددی را برای کاستن از یکنواختی متن و ایجاد تنوع در ابتدای حوادث می‌آورند (جلالی پندری، ج ۱۴، ص ۲۱۱)؛ به‌گونه‌ای که در برخی از این آثار در عنوان مثلاً آمده است «ساقی‌نامه جهت تفریح دماغ و آرایش کتاب» (افتخارنامه حیدری، ص ۷) یا «ساقی‌نامه در زینت و آرایش این کتاب مستطاب» (مختصر الشجاعه، ص ۴۹۶)؛ معمولاً در ابتدای شروع هر بخش از داستان خصوصاً شروع جنگها، مراسم شادی و ازدواج، وقایعی چون غدیر خم و حجة‌الوداع شاعر از ساقی‌نامه بهره میبرد. جز مختارنامه دنبلی و شعاعی بقیه مختارنامه‌های

این عصر ساقی‌نامه دارند. در میان پیمبرنامه‌ها اردیبهشت ساقی‌نامه ندارد اما مجلس‌افروز مکرراً دارد. از میان امام‌نامه‌ها تنها بهجت‌نامه و روضه‌المؤمنین ساقی‌نامه دارند. حیدری‌نامه‌ها جز خرم‌بهشت و مثنوی دلگشا بقیه همراه ساقی‌نامه‌اند؛ محمدتقی حسینی، ممتاز، اصولاً اثر خود را با ساقی‌نامه شروع میکند:

بده ساقی آن آب آتش‌نما که هوش ز سررفته آرد به جا
کن فارغم از غم روزگار چو آتش تو آبی بیاور به کار
ز خمخانه وحدتم جام می عطا کن که نالان شوم همچونی
به یک جام می حق پرستم نما پیاپی دمادم تو مستم نما
بده ساقی آن جام مردآزمای که عمر ز سررفته آید به جای
(مثنوی مجمع، حسینی، ب ۱، ر، بیت ۱-۵)

حسینی‌نامه‌هایی که رویکرد حماسی دارند، همگی جز منهج‌الهدایه و حروب‌الحسینیه ساقی‌نامه دارند.

۴-۱۱- بازتاب افکار و آداب و رسوم غالب بر جامعه در مثنویها

شعر سبک بازگشت میان منتقدان همواره متهم به این است که تقلیدی است و شاعر نه انگار که در عصر خود بلکه در روزگاران پیشین و قرنهای رواج سبک خراسانی و عراقی زندگی میکند. هرچند این سخن تا حدود زیادی درست است اما بدین معنا نیست که هیچ ردّ پا و نشانه‌ای از باورها، افکار، آداب و حوادث روزگار در آثار این دوره نمیتوان یافت؛ مثلاً در مثنویهای مذهبی عهد قاجار کمابیش خطوطی اصلی از باورها و مسائل مبتلابه جامعه آن روز خصوصاً آنچه در دایره همین مباحث دینی و مذهبی مطرح بوده است، میتوان دید. این بازتاب به دو شکل است: ب)

الف) بازتاب افکار و باورهای غالب بر جامعه: شاعران در حین بیان داستانه‌ها ناخودآگاه باورهای غالب بر ذهن خود و جامعه‌شان را گاه از زبان خود و گاه از زبان شخصیت‌های داستان بروز میدهند؛ مثلاً باور به تأثیر افلاک و ستارگان و بخت و طالع در زندگی آدمیان یا باور جبرگرایانه به سرنوشت محتوم:

رخ از کوفیان تاخت بخت بلند از اختر به مختار آمد گزند
(مختارنامه، مفتون دنبلی: ص ۲۹۴، بیت ۱۶)

ب) تحقیر زنان:

زنان را زبانی فریبده هست که هشیار را می‌نمایند مست
بفرمود پروردگار حکیم در اوصاف زن کید کن عظیم
(دیوان، شعاعی قاجار: ص ۲۱۸، بیت ۱۰، ۱۲)

ب) بازتاب آداب و رسوم و وقایع در حوزه اجتماع، دین و سیاست: برخی شاعران به

اختلافات دینی و سیاسی که در روزگارشان بحث برانگیز یا مفسده برانگیز بوده است، اشاره و در برابر آن موضعگیری کرده‌اند؛ برای مثال عاصی در نظم‌المجالس دربارهٔ مسألهٔ حرمت یا جواز مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی بحثی را آورده است؛ مسأله‌ای که در روزگار قاجار درباره‌اش میان علما اختلاف بوده است. برخی با توجه به محبوبیت آن نزد حکومت و مردم با ملایمت دست به اصلاحات مصداقی در آن زدند؛ مثلاً شیخ جعفر مجتهد شوشتی با شرحی که برای شاه مبنی بر کذب بودن مجلس عروسی حضرت قاسم نوست، باعث منع اجرای این مجلس در تعزیه‌ها شد. برخی از علما با سکوت خود زمینهٔ برداشت موافق از نظر خود را در این باره فراهم کردند. عده‌ای هم که ابتدا با تعزیه مخالف بودند و آن را به دلیل «حرمت تمثیل معصومین» و «حرمت تشبیه مرد به زن و زن به مرد» نادرست میدانستند، بتدریج نظر خود را تعدیل کردند؛ چنانکه میرزا محمدحسین نایینی در فتوای مشهور خود به تاریخ پنجم ربیع‌الاول ۱۳۴۵ ق اشکالی بر «تشبیهات و تمثیلات متدوال در هیأت عزای شیعیان [اشاره به تعزیه] و رد نمیداند (رسانهٔ شیعه، ص ۴۳).

یکی از مسائل دینی و سیاسی که معتنابه و مبتلابه مردمان روزگار قاجار بوده و بخوبی در منظومه‌ها انعکاس یافته بحث تعصبات و نزاعهای عقیدتی و دینی و مذهبی است. هرچند منظومه‌های شیعی عصر قاجار در روزگاری سروده شده‌اند که مذهب تشیع کاملاً در ایران تثبیت شده بود اما واقعیت این است که نزاع دینی و مذهبی همچنان در این دوره رواج داشت و منجر به درگیریهایی بین مردم هموطن با هم و با غیرهموطنان میشد. نزاع عقیدتی به چند شکل در جامعهٔ قاجار دیده میشد:

(۱) نزاع دینی بین مسلمانان و اقلیتهای غیرمسلمان که تعصب مذهبی، باعث محدود و محصور شدن اقلیتهای دینی ساکن هر شهر در محلات مخصوص میشد (ایران در دورهٔ سلطنت قاجار، ص ۳۷۷-۳۷۸).

(۲) نزاع مذهبی بین شیعه و سنی؛

(۳) نزاع درون‌مذهبی بین خود شیعیان مانند درگیری میان شیعیان مجتهد با شیخیه‌ها و بابیه‌ها.

تقریباً جلوه‌هایی از هر سه نوع این تعصبات و تنشها در منظومه‌های این دوره نمود یافته است؛ در بسیاری از آثار از دشمن یا افراد کم‌مایه به مجوس (= گبر) و ترسا و یهود تعبیر میشود:

یکی حارث نوفلش نام بود لعین‌تر ز قوم مجوس و یهود

(بهجة‌المؤمنین، نایینی، ب ۵۹، پ، س ۱۱)

نزاع میان شیعه و سنی را بیشتر به‌شکل گرفتن نوک پیکان حمله به سمت خلفای راشدین، همسران پیامبر و به‌ندرت خود جماعت اهل سنت میبینیم؛ البته در مثنویهایی که

رویکرد عاشانه- عارفانه دارند، به‌ندرت تعابیر زشت را دربارهٔ دشمن داریم چه رسد به سه خلیفه و همسران پیامبر. در دیگر مثنویها تقریباً تمام کلمات و تصاویری را که دربارهٔ دشمن برشمردیم درخصوص این شخصیتها نیز وجود دارد. کم‌هست مواردی که شاعران با تعابیری به دور از تعصب از ایشان یاد کنند:

- دل بانوی بانوان (جناب عایشه) گرم شد (حملةٔ حیدری، ج ۳، ص ۳۹۴)؛

- البته راجی در جاهای دیگر تعابیر تنیدی علیه‌ام‌المؤمنین دارد (نک: همان: ص ۴۵۱)؛

از نزاع نوع سوم یعنی درون‌مذهبی تنها یک مورد را در کار مجنون قاجار دیدیم؛ او به بابیه و فعالیت‌های ایشان در شهر خود، ابهر، اشاره کرده و در ذکر فرقهٔ بابیه و نام بابیه از حروف ابجد استفاده نموده که از روی کراهت در بردن نام و فرقهٔ آنها یا ترس از به زبان آوردن این مسائل بوده است؛ البته نمی‌دانیم این کدگذاری در اصل شعر چنین بوده یا کار کاتب است:

«به ابهر یکی بد چو دیو رجیم/ ورا نام می‌بود ۷۰ ۲ ۴ ۱ ۳۰ ۲۰۰ ۸ ۱۰ ۴۰ (= عبدالحرحیم)/ چه گویم یکی گرگ در جلد میش.../ معمم معباً و ظاهر صلاح/ ولی کوسج و ازرق‌العین بود.../ زر و سیم دادندی او را به مفت/ که نعلین آقا ز غیب است جفت.../ پس آن پیر پرمکر شیطان شیم/ همان گرگ رفته به جلد غنم/ شد آخر به ۱۲ ۲ ۱۰ (= بایی) گری مشتهر/ که عبرت گرفتند اهل عبر (حملةٔ حیدری، ص ۲۵۵، س ۱۷-۲۶)

۵- نتیجه

بنابر دلایل سیاسی و اجتماعی همچون نیاز پادشاهان قاجار به مسلط ساختن گفتمان تشیع برای کسب قدرت از طریق مشروعیت و گرایش مردم به بر سر کار بودن حکومتی مذهبی، سرودن شعر مذهبی از جمله مثنویهای روایی شیعی یعنی بیان داستان زندگی پیامبر و امامان گسترش یافت.

مثنویهای شیعی این عصر را با توجه به محتوا میتوان در شش دستهٔ کلی جای داد: پیامبرنامه‌ها، حیدری‌نامه‌ها، حسینی‌نامه‌ها، مختارنامه‌ها، امام‌نامه‌ها و مولودنامه‌ها (داستان تولد امام زمان). از این میان توجه به بیان واقعهٔ کربلا بیش از دیگر موضوعات مورد توجه شاعران بوده است. در میان آثاری که ماجرای کربلا را روایت کرده‌اند، سه رویکرد عاشقانه- عارفانه، حماسی و عاطفی- مصیبت‌گویانه وجود دارد که رویکرد عاشقانه- عارفانه بر دیگر دیدگاهها غالب است. درواقع مثنویهایی با این رویکرد نوعی حماسهٔ عرفانی هستند و جدال امام و یارانش با یزیدیان همان جدال خیر و شر است و قهرمان این حماسه پهلوانی است که در آرزوی جاودانگی می‌جنگد تا با سپردن راهی پر خون و فانی فی‌الله به خالق یکتا بپیوندد و خویش را جاودانه کند. توجه بسیار به داستان کربلا در بین شاعران سبب

شده که این آثار از ورود تحریفات در امان نمانند. بازتاب پاره‌ای از افکار مسلط بر روزگار قاجار خصوصاً در حوزه دین و مذهب را همچون تعصبات و کشمکشهای دینی و مذهبی در این مثنویها میتوان یافت. در توصیف کردن معصومان محوریت‌ترین تصاویر در دایره واژگانی درخت و با کلماتی چون سرو و بوستان و باغ و نخل پدید آمده‌اند. به نظر می‌رسد این تصویر ریشه در آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (۲۴/۱۴) داشته باشد. در صحبت از ائمه به‌ندرت به مواردی از غلو برمی‌خوریم. محوریت‌ترین تصویرها در خصوص دشمنان در دایره واژگانی حیوانات نجس چون سگ و خوک یا حیوانات ضعیف چون موش و گنجشک و... خلق شده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- الإختصاص، مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمي لالقیة الشيخ المفید.
- ۲- اسرار آل محمد علیهم السلام (ترجمه کتاب سلیم‌بن قیس هلالی)، هلالی، سلیم‌بن قیس (۱۴۱۶ق). ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: نشر الهادی.
- ۳- اشارات الحسینیة، عنقا طالقانی، جلال‌الدین علی ابوالفضل (۱۳۱۷ق). نسخه خطی شماره ۸۲۴، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۴- افتخارنامه حیدری، صهبای آشتیانی، میرزا مصطفی (۱۳۱۰). تهران: کارخانه آقا سید مرتضی.
- ۵- ایران بین دو انقلاب، آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- ۶- ایران در دوره سلطنت قاجار، شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۱). تهران: انتشارات علمی.
- ۷- بررسی جایگاه زنان در امثال و حکم فارسی با رویکرد جامعه‌شناسی، فرستی جویباری، رضا؛ نبئی، مینا (۱۳۹۲). فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، دوره ۵، شماره ۱۶، تابستان، صص ۱۴۵-۱۷۶.
- ۸- بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار، طائفی، شیرزاد (۱۳۸۹). مجله ادیان و عرفان، شماره دوم، سال چهل‌وسوم، پاییز و زمستان، صص ۹۹-۱۱۵.
- ۹- بهجة المؤمنین (= مختارنامه)، نایینی، میرزا عبدالرحیم (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۲۸/۱۲، قم: کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی.
- ۱۰- بهجت‌نامه، شعرا اصفهانی، میرزا طاهر (جلد ۱ تا ۴ به ترتیب ۱۳۰۷ق؛ ۱۲۹۹ق؛ ۱۳۰۰ق؛ ۱۳۰۳ق؛ بی‌تا). نسخه خطی شماره ۴۶۸۵، تهران: کتابخانه ملی ملک.
- ۱۱- چهار خیابان باغ فردوس، الهامی کرمانشاهی، میرزا احمد (۱۳۲۷). کرمانشاه: چاپخانه کاوه.
- ۱۲- حروب الحسینیة، پروین نوری، محمدرضا (۱۲۵۹ق). نسخه خطی شماره ۲۷۴۵، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- ۱۳- حقایق النبویه و العلویه، راجی بیدآبادی، ابوالقاسم (۱۲۷۹ق). تهران: کارخانه عبدالخالق.
- ۱۴- حماسه سرایی دینی در ادب فارسی، شهبازی، اصغر، (۱۳۹۳)، آیین میراث، شماره ۵۵، پاییز و زمستان، صص ۱۸۳-۲۱۰.
- ۱۵- حمله ح سینیه، تنکابنی، محمدبن سلیمان (بی تا). نسخه خطی شماره ۸۸۸۰، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۶- حمله حیدری، راجی کرمانی، ملا بمانعلی (۱۳۹۵). تصحیح نجمه حسینی سروری، یحیی طالبیان و محمود مدبری، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۱۷- حمله حیدری، مجنون قاجار، میرزا شکرالله (۱۳۰۸ق). نسخه خطی شماره ۱۰۱۰۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۸- خاطرات لیدی شیل، شیل، مری (۱۳۶۲). ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- ۱۹- خداوندنامه. صبای کاشانی، فتحعلی (بی تا). نسخه خطی شماره ۵۴۹۴، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۲۰- خرم بهشت، هدایت طبرستانی، رضاقلی خان (۱۲۸۶ق). نسخه خطی شماره ۴۳۳، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۲۱- دانشنامه جهان اسلام، جلالی پندری، یدالله، (۱۳۸۹). زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۲۰۹-۲۱۳.
- ۲۲- دیوان (= شهادت نامه). سینای اصفهانی، مصطفی قلی خان (بی تا). نسخه خطی شماره ۴۹۲۰، تهران: کتابخانه ملی ملک.
- ۲۳- دیوان (شامل مصیبت نامه و مختارنامه)، شعاعی قاجار، محمدحسین (ب ۱۲۹۷ق). نسخه خطی شماره ۱۰۹۷۰-۵، تهران: کتابخانه ملی.
- ۲۴- دیوان (شجاعت الحسینی، مولودنامه، مناقب الاثمه)، خرم شیرازی، ابوالحسن (۱۳۲۸ق). بمبئی: مطبعة مظفری.
- ۲۵- دیوان، سروش اصفهانی، میرزا محمدعلی (۱۳۴۰). به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: امیرکبیر.
- ۲۶- دیوان، عمان سامانی، میرزا نورالله (۱۳۷۸). به کوشش مهدی آصفی، تهران: انتشارات جمهوری.
- ۲۷- دیوان، نیر تبریزی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۷). مقدمه و حواشی میرزا عبدالرسول احقاقی، تهران: روشن ضمیر.
- ۲۸- رساله شیعه (سوگواری شیعیان ایران از آغاز تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی)، حسام مظاهری، محسن (۱۳۸۵). مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت، صص ۴۰-۴۷.
- ۲۹- روضه المؤمنین یا چهارده گنج، عابد اصفهانی، زین العابدین (۱۲۲۶ق). نسخه خطی شماره ۳۳۰۵، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.
- ۳۰- زبان شعر در نثر صوفیه (درآمدی به سبک شناسی نگاه عرفانی)، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). تهران: سخن.

- ۳۱- زبده الاسرار، صفی‌علیشاه، میرزا حسن (۱۳۹۵). تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۳۲- زینت‌المسلمین (= مختارنامه)، بنّا دهکردی، گل محمد (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۵۸۱، مشهد: کتابخانه مسجد گوهرشاد.
- ۳۳- سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- ۳۴- شهنشاهنامه، صافی اصفهانی، سید جعفر (۱۲۲۴ق). نسخه خطی شماره ۵-۱۹۰۰۱، تهران: کتابخانه ملی.
- ۳۵- صحیفه قاصریه، قاصر کرمانی (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۲۹۰۲، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۳۶- صولۃ‌الحیدریه، ممتحن سبزواری، میرزا محمد حسن (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۵-۱۱۶۹۲، تهران: کتابخانه ملی.
- ۳۷- ضیاء‌العین فی مراثی‌الحسین، قاجار، محمد رحیم میرزا (عشیقی) (۱۲۸۵ق). نسخه خطی شماره ۱۴۴۶، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۳۸- غزوه خیبر، جنگ جمل و صفین، خیالی اصفهانی، محمد حسین (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۱۴۲۹۸، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۳۹- غمکده، وفا تفرشی (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۹۷۱۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۴۰- فرهنگ عاشورا، محدثی، جواد (۱۳۷۶). قم: نشر معروف.
- ۴۱- فیض السعاده، فیاض عراقی (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۱۱۲۸، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۴۲- کافی، کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- مثنوی دلگشا، ناشناس (۱۲۹۱ق). نسخه خطی شماره ۶۱۲۷، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۴۴- مثنوی مجلس افروز، نصرآبادی کاشانی، ملا فضلعلی (۱۳۸۵). تصحیح حسن عاطفی، قم: طیار.
- ۴۵- مثنوی مجمع مشهور به مثنوی ممتاز، حسینی، محمد بن محمد تقی (ممتاز) (۱۲۵۸ق). نسخه خطی شماره ۵-۱۳۱۳۳، تهران: کتابخانه ملی.
- ۴۶- مجمع‌العشاق، ناشناس، (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۵۴۴۴، تهران: کتابخانه ملی ملک.
- ۴۷- مختارنامه، خیالی اصفهانی، محمد حسین (۱۲۷۳ق). نسخه خطی شماره ۶۱۵۹، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۴۸- مختارنامه، دنبلی، عبدالرزاق بیگ (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۵-۱۸۳۹۵، تهران: کتابخانه ملی.
- ۴۹- مختصر الشجاعه، شاهد شیرازی (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۴۷۲، قم: مرکز احیاء التراث الاسلامی.
- ۵۰- مختصر المراثی، سلماسی، پرویز خان (۱۳۳۳ق). تبریز: چاپخانه شمس‌الدین پرویزی.
- ۵۱- مصیبت‌نامه، بهجت قاجار، غلامحسین میرزا (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۵-۲۲۹۸۷، تهران:

- کتابخانه ملی. مجتهد طهرانی، ابوالحسن شیخ‌علی (۱۳۰۸ق).
- ۵۲- معانی الأخبار، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵۳- معراج محبت، مجتهد طهرانی، ابوالحسن شیخ‌علی (۱۳۰۸ق). نسخه خطی شماره ۷۸۶۹، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۵۴- مقصود العارفین، عارفعلی تفرشی، آقامحمد بن علی اکبر (۱۳۱۷ق). نسخه خطی شماره ۸۸۸۵، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۵۵- منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق). ترجمه حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح و تحقیق ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الإسلامیه
- ۵۶- منهج الهدایه، هدایت طبرستانی، رضاقلی خان (۱۲۵۵ق). نسخه خطی شماره ۱۱۹۴، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۵۷- نظم المجالس، عاصی رشتی اصفهانی، محمد محسن (۱۲۷۷ق). نسخه خطی شماره ۵۰۸۰۲، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۵۸- نمایش و موسیقی در ایران، نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). تهران: آرون.
- ۵۹- هشت رساله در بیان احوال زنان از ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، کراچی، روح‌انگیز (۱۳۹۰). تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.